

ایکاشی یا

خاندانهای حکومتگرایان

خاندان امینی

- ۸ -

میرزا ابراهیم صدیق الممالک نیز نظر اعتماد السلطنه را در مورد تاریخ درگذشت مجدد الملک تأیید می کند ولی بنا نوشته سعید نفیسی تاریخ مرک بر سنک گورش در شهری (۱۱ ذیحجه ۱۲۹۸) است هر دو این سند معتبر می باشد .

بنابراین نمیتوان یکی از آن دو را مردود دانست و تاریخ قطعی مرگ او را تعیین کرد. با اینکه (بامداد) تاریخ گور را برگزیده است ولی نمیتوان تاریخ فرمان ناصر الدینشاه و نظر مورخان وارد کرد (۱)

مجدد الملک دارای خط و ربط ارزنده بود، اعتماد السلطنه او را جزه نویسندگان و خوشنویسان، و از فحول اساتید عصر خود یاد می کند (۲) اثر افتخار آمیز بر جسته ای که باو نسبت می دهند رساله (کشف الغرایب فی الامور العجایب) است که در شهریور ۱۳۲۱ بوسیله خاندان امینی و بکوشش استاد سعید نفیسی بانام (رساله مجدیه) انتشار یافت، تاریخ کتابت آن را سالهای ۱۲۸۲ و ۱۲۸۷ نوشته اند (۳) گروهی این رساله را از آن میرزا ملک خان و بعضی متعلق به میرزا علیخان امین الدوله می دانند .

این کتاب با نظرات خرده گیرانه و شرح نابکارها و ناپاکی های گروهی از درباریان قاجار آغاز و انجام می یابد، نویسندگان جناح ویژه ای از رجال دوره ناصری را بیاد انتقاد گرفته و گروه ویژه ای را می ستایند لیه تیز تیغ حمله متوجه (یوسف مستوفی الممالک) و دار و دسته او و آشتیانی ها می باشد و همه مفاسد و مظالم رازیر سرآنان می داند .

خاندان مستوفی الممالک در زمره خاندانهای بسیار اندک و انگشت

۱ - رساله مجدیه ، مقدمه

۲ - مآثر الآثار ۱۹۶

۳ - رساله مجدیه : سعید نفیسی فهرست کتابهای خطی منزوی

شمار الیکارشی دویمت ساله ایرانست که دارای مختصات روشن سیاسی و درخشش ویژه ملی می باشد و شاید بدینجهت زود تر از پهنه سیاست کنار گذاشته شدند .

ناصرالدینشاه باهمه بلهوسی و کمبود های اخلاقی رجال در باری را خوب می شناخت و بقول کنت دوگو بینو (می دانست باچه اشخاصی کاری کند وزیرانش ازچه قماشی هستند) (۱) .

آنهمه عزت و حرمت به یوسف مستوفی الممالک دلیل و منطق سیاسی داشت و بهمین دلایل شاه مستبد قاجار بدیها و تلخی های شخصی او را در نحوه برخورد موقرانه و خود کامه و ناملقانه تحمل می کرد و در میان همه رجال فقط باولقب (حضرت آقا) داده بود و الحق وی بمفهوم واقعی آقا بود .

مستوفی الممالک باخارجیان راه و رابطه خصوصی نداشت ، ولی درسیاست آدمی خشک نبود اززدان و نادرستان بدش می آمد و بقول عبدالله مستوفی (طمع و توقعی نداشت حتی از گرفتن هدیه های معمولی زمان هم خودداری می کرد) (۲) .

حضرت آقامردی کم حرف ، خوش قلب ، میانه رو ، مؤدب ، انسان دوست پاکنهاد ، بردبار ، نیک سرشت ، وطنپرست ، عارف بود از زمامداران نوکر مآب و ضدملی و از تحریک و دسیسه و توسل به دست آویز های ضد اخلاقی در سیاست دوری میگزید .

از رجال ملی و خدمتگزار جانبداری می کرد از ارکان مهم دولتهای امیر کبیر و میرزا محمدخان سپهسالار بود نتوانست با رجال ضد ملی همگامی کند .

میرزا جعفر خورموجی (حقایق نگار) مورخ منحصر بفرد دوره ناصر است که حقایق تاریخی از آنجمله نحوه ترور امیر کبیر را بدستی برشته تحریر در آورد . از حق نویسی او ناصر الدینشاه ناراحت گردید در صد آزاروی بر می آید بنوشته خود مورخ (جناب مستوفی الممالک و جناب سردار کل نیز در اظهار حق خودداری نفرمودند به وساطت مستوفی الممالک قضایی که رسیده بود بخیر می گذرد) (۳) بدینوسیله حقایق نگار از کیفر حق گوئی میرهد .

در ۱۲۹۰ که شاه از فرنگ باز آمد و میرزا حسین خان موقتاً مردود شده و دررشت بماند . میرزا یوسف خانه نشینی را ترك کرده در روز سلام عام بدر بار آمد و در جایگاه خویش قرار گرفت و پس از آن که بمنزل مراجعت کرد شاه دستخط زیر را برایش فرستاد .

۱ - میراث گوینو سند شماره ۲ (یغما)

۲ - شرح زندگی من جلد ۱ صفحه ۱۴۴

۳ - حقایق الاخبار صفحه ۱۱۲

وجود جناب آقا درب خانه دولت لازم است و از آمدن جناب ایشان کمال
خرمی و خوشحالی بما دست داد انشاء الله تعالی امور متملقه و سپرده بخود را
مجدداً به تحت قاعده و نظم خواهد آورد . (۱)
سپهسالار می خواست از راه فشار به میرزا یوسف از اوحق و حساب کللا
گیرد ناصرالدینشاه نوشت :

دوست بدنیا و آخر نتوان داد

صحبت یوسف به از دراهم معدود

بنابر این اگر می بینیم که مجدالملک بسختی بر او می تازد در میان آن همه
نابکاران و کارگزاران بیگانه ناصری لبه تیز تیغ انتقاد خود را متوجه (حضرت
آقا) می سازد حق دارد برای اینکه وی با مخالفت و مبارزه خود با اعتماد الدوله
نوری، و سپهسالار ضربات شدید بر منافع سیاسی خاندان امینی وارد کرده
است .

مجدالملک در (رساله مجدیه) مستوفی الممالک را مردی « دورگو ،
متکبر ، اخاذ ، خود رأی متملق ، رشوه خوار ، متجاوز ... » معرفی کند
بی انصافی را در باره او تا بدان جا بالا می برد که مینویسد : (سکنه ولایات سرحدی
ایران متفرق گردیده بخارجهمهاجرت کرده)

این رساله مردم ایران را به ظالم و مظلوم تقسیم کرده مینویسد (مظلوم
ترین آن ها پادشاه است که در خانه خود به کرایه نشینی قناعت کرده) در تمام
کتاب از رجال خیانت پیشه چون میرزا ابوالحسن ایلچی ، امین الدوله غفاری ،
میرزا سعیدخان مؤتمن الملک ، اعتماد الدوله نوری و خدمات مردانی بمانند
امیر کبیر ، سیدجمال الدین اسدآبادی ، میرزا محمد سپهسالار ، شیخ هادی
نجم آبادی ، آیتاله میرزا حسن آشتیانی ... یادی نشده است .

نویسنده و پژوهشگر نامورو برجسته معاصر دکتر فریدون آدمیت در اثر
اخیر خود (اندیشه ترقی و حکومت قانون) که با خوش بینی زیاد از شخصیت
میرزا حسین خان سپهسالار جانبداری کرده است این رساله را وابسته به گروه
فراماسونری ایران و از آثار فکری و قلمی شخص میرزا محمدخان مجدالملک
میداند نسخه ای که بدان دسترسی یافته و از روی آن داوری کرده است مربوط به
(۷ شوال ۱۳۰۷) است .

خوش بینی آدمیت در مورد مجدالملک ناشی از روح و عقیده از پیش داوری
و عدم آگاهی پر ژرف نویسنده است و انگهی وی مجدوب بیش از حد نو آوریهای
اغواگرانه و سیاست استتار امپریالیستی سپهسالار شده است .
شش نسخه خطی از این اثر در کتابخانه مرکزی دانشگاه موجود است که در
فهرست نسخه سه نسخه آن را به میرزا ملکم خان و یک نسخه به میرزا علیخان امین-

الدوله پسر مجد الملک نسبت داده اند. مجله ارمغان نیز این اثر را از آن امین الدوله می داند يك نسخه آن را به مجد الملک نسبت داده اند. قدیم ترین نسخ (۱۸۵ ج. ادبیات) بتاريخ ۲۸ رجب ۱۲۹۸ بخط نستعلیق اسماعیل تبریزی است که از نسخه دیده شده آدمیت ۷ شوال ۱۳۰۷ قدیم تر است و شاید کهنه ترین نسخ موجود باشد و یازده سال پس از کتابت و در زمان خود مجد الملک نسخه برداری شده است . در آغاز این نسخه دیباچه ای با عنوان (ایران نظم ندارد) دیده می شود، استیل خط حاشیه خود رساله نشان می دهد نویسنده مقدمه و تحشیه رساله از یک نفر است .

سیاق نگارش دیباچه نشانه احاطه نویسنده به اصول جامعه شناسی و سیاست و تمدن اروپائیت، خیلی شباهت به نگارشات میرزا ملکم خان دارد و همچنین تحشیه رساله نشان میدهد که نویسنده رجال سیاسی دوره ناصر الدین شاه را بط خوبی میشناسد چه آنچه که در متن تلویحاً نوشته شده در حاشیه کاملاً تصریح گردیده است. فی المثل حاج محمد رضا در حاشیه معرفی کرده است این همان مستشار الملک و مؤتمن السلطنه بعدی مستوفی متنفذ خراسان است و یا (سهام الدوله) را در هامش معرفی کرده که (حیدرقلی بجنوردی) می باشد و یا (محمود) را تصریح کرده که (محمود همدانی ناصر الملک) است .

نسخ دیگر کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به کهنگی و بدرستی ویی کم و کاستی این نسخه نیست (۱)

یکی از نسخ (۳۷۲۹) بنام کشف الغرایب و منتسب به میرزا ملکم خالی از اغلاط املائی و انشائی از قبیل (خاستگاری ، لم یذرع ...) نمی باشد (۲) نسخه (۱۴۱ ج ادبیات) را که در ۱۳۰۷ دستنویس شده است نیز بنام کشف الغرایب و متعلق به میرزا ملکم نوشته اند (۳)

نسخه دیگر (۸۳۸۲) بتاريخ ۱۳ صفر ۱۳۱۳ دستنویس شده است در ابتدای نسخه آن را (از آثار قلمی وزیر دانشور مرحوم میرزا علی خان امین الدوله) دانسته اند و هنوز فهرست نشده است .

نسخه (۱۱۰۴) بنام کشف الغرایب در ۱۳۰۷ قمری دستنویس شده است اینرا نیز از آثار میرزا ملکم نوشته اند (۴)

نسخه ای نیز در مجموعه خطی (علی اصغر حکمت) است که بنام رساله مجدیه نامگذاری گردیده است با توجه باینکه نسخه مورد استفاده و استفاد سعید نفیسی تاریخ ندارد و نسخه اسنادی آدمیت (۷ شوال ۱۳۰۷) است نسخه معرفی شده

۱ - کتاب فهرست خطی ادبیات صفحه ۳۹۲

۲ - « » جلد ۱۲ صفحه ۲۷۲۵

۳ - « » ادبیات صفحه ۳۹۳

۴ - « » جلد ۱۲ صفحه ۲۳۳۱

و دستنویس (۱۸۵ ادبیات) کتابخانه مرکزی دانشگاه رامیتوان اصیل و قدیمی ترین و کاملترین نسخ موجود و دیده شده. دانست بطوریکه دیدید از شش نسخه دانشگاه چهار نسخه بنام کشف الغرایب و منتسب به اندیشه و قلم میرزا ملکم نوشته اند. با این توضیحات نمیتوان بطور قطعی نظر داد که این اثر از آن مجد الملک است و تازه اگر این توضیحات نادیده گرفته شود این اثر را ما نیز متعلق به مجد الملک بدانیم این کار چندان افتخار آمیز نخواهد بود که فی المثل امروز یکی از سیاستمداران دست اندر کار سیاست و ملکداری پنهانی قلم بدست گیرد در عین برخورداری از تمام مزایای قدرت و حکومت، جاه و مال و مکتنت همه را به دشنام و ناسزا کشد، همینکه سالیان دراز از آن زمان گذشت نیرب آن نویسنده اثر او را چاپ زند، گردنفر از آن افتخار به آزاد اندیشی و ترقیخواهی نیای خود در هشتاد سال پیش کند.

آثار کسانی بمانند سید جمال الدین اسد آبادی، میرزا ملکم خان، میرزا آقا خان کرمانی، سلطان العلماء، ملک المتکلمین، سید جمال الدین اصفهانی، صور اسرافیل، طالبوف، آخوند زاده از اینرو ارزنده است که در همان زمان انتقادات آنان نشر و پخش میشد، بدست دوست و دشمن میرسید و دیدیم گروهی از آنان نیز بخاطر عقاید و مبارزات خود شربت شهادت نوشیدند. چه اگر اثری انتقاد آمیز در همان زمان بدست دستگاه حاکمه و ملت رسد، منشأ تحول خواهد بود یا دشمن را از خیانت و بدکاری و ستمگری دور خواهد کرد و یا مردم را برای مبارزه با مفاسد و مظالم بر خواهد انگیزد. ناصر الدین شاه پادشاهی آگاه و دانا، بالغ و سالم بود، از ترورهای مردانی بسان امیر کبیر، سید جمال الدین اسد آبادی، میرزا محمد خان سپهسالار تا واگذاری امتیازات و بخشیدن خاکهای وطن بسروس و انگلیس و تشکیل حرمسرای ۱۲۰۰ نفری و میلجک بازی، فروش مشاغل و مصادر و وامهای بیپای سنگین جهت عیاشی همه با تصمیمات شخص خود ناصر الدین شاه بود. چه جنایتی بالاتر از این که کسی این مظهر خود کامگی و جباریت و ایسرانفروشی و شهوترانی را (مظلومترین افراد کشور بشناسد) او را (شاهنشاه عدیم النظیر) معرفی کند (۱).

بنابر این ولو این اثر غرض آلود را از آن مجد الملک بدانیم عدم شهادت نویسنده و پنهان ساختن و بیرون دادن آن پس از هشتاد سال چندان هم افتخار آمیز نخواهد بود.

مجد الملک را برادر دیگری بنام میرزا صفی بود که از (صوفیان ممتاز و برجسته ۲) بشمار میرفت.

۱۵۵۴ دارد

۱ - رساله مجدیه، کشف الغرایب (رساله اقبال الدوله هندی) صفحه ۶۵

۲ - طرائق الحقایق جلد ۳ صفحه ۲۹۹